

# خودآگاهی ادبیات

بررسی تطبیقی «ادبیات چیست» اثر ژان پل - سارتر و «درجه صفر نوشتار» اثر رولان بارت

شیرین دخت دقیقیان

از قرن نوزدهم به بعد، خودآگاهی، ادبیات، بدید آمد و ادبیات آغاز به نگرستن به خود کرد. زمینه پیش از آن، ادبیات بازتاب و زایده ایدئولوژی‌های سیاسی بود. نویسنده هر چند پنهان و زیر پوشش آرایه‌های داستانی، قصدی اجتماعی در راستای طبقات حاکم و ایدئولوژی پیروزمند آنها را دنبال می‌کرد. این فرایند به خوبی در ادبیات کلاسیک دیده می‌شود. شورش رمانتیک از شناخت غرور فردیت و نیز اضطراب آن آغاز شد و نویسندگان کوشیدند تا از مرزهای طبقه خود بیرون بیایند. در این هنگام، ادبیات از استقلال خودآگاهی یافت؛ یعنی ادبیات به خود مانند یک اُبژه و پس‌دیده عینی نگریست. رولان بارت در مقاله "Littérature et meta langage" (ادبیات و فرازبان)

در این باره می‌نویسد:



«قرن‌ها نویسندگان ما حتی گمان نمی‌کردند که بتواند ادبیات را، از نظر منطقی، مانند زبان‌های دیگر، زبانی متمایز انگاشت. ادبیات هرگز درباره خود نمی‌اندیشید (گاهی درباره شکل‌های خود چرا ولی در مورد وجودش هرگز). ادبیات هرگز خود را ایزه‌ای، در آن واحد مشاهده‌گرو مشاهده‌شونده نمی‌دید. کوتاه سخن آن که حرف می‌زد ولی از خود نمی‌گفت. با پیدایش نخستین تزلزل‌ها در شناخت بورژوازی، ادبیات دوگانگی خود را دریافت. هم ایزه و هم نگاه به این ایزه. هم گفتار و هم گفتاری درباره این گفتار. ادبیات - ایزه و فرا ادبیات.»<sup>(۱)</sup>

و این آغاز رشته‌ای پیرامون شناخت ادبیات و نظریه ادبی، بود که جایگاه مهمی نیز در تفکر فلسفی مدرن گشود و در سراسر قرن بیستم امتداد یافت. در مجموعه آثاری که در این باره نوشته شده، دو اثر درخشش ویژه‌ای دارند و هر یک، به گونه‌ای، بر دهه‌های پس از خود تأثیری بی‌چون و چرا گذاشته‌اند. ژان پل سارتر با کتاب ادبیات چیست رشته‌ای از بحث‌ها و جدل‌های پرشور را، از دهه‌های پنجاه به بعد، دامن زد و رولان بارت متفکر، هم‌زمان با سارتر، با کتاب درجه صفر نوشتار افق‌های تازه‌ای در نظریه ادبی گشود؛ به گونه‌ای که شناخت مباحث این دو اثر، که در نقاطی با یکدیگر هم داستان و در بزنگاه‌هایی با هم چالش دارند، یکی از پایه‌های ضروری درک نظریه ادبی و شناخت ادبیات به شمار می‌رود.

در میان ناقدان ادبی معاصر، سرژ دوپروفسکی این دو کتاب را مهم‌ترین کتاب‌هایی می‌داند که درباره ادبیات نوشته شده‌اند و سوزان سانتاگ نیز اهمیت زیادی برای این دو کتاب قایل است.<sup>(۲)</sup>

## ادبیات چیست

ژان پل سارتر، در سال ۱۹۴۷، در مجله لیه‌تان مدرن، اولین بخش‌های ادبیات چیست را منتشر و یک

سال بعد آن را، به صورت کتاب، چاپ کرد. سارتر در این کتاب، تز «ادبیات متعهد» را پیش کشید و مبارزه برای دستیابی به آگاهی، حقیقت و آزادی انسان را هدف ادبیات معرفی کرد. به دنبال انتشار اولین بخش‌ها، بسیاری به مخالفت با دیدگاه سارتر پرداختند. سارتر در مقدمه‌ای که بعد بر کتاب نوشت در پاسخ به آنهایی که دیدگاه‌های او را تا حد تبلیغ ادبیات حزبی پایین آورده بودند، چنین نوشت:

«زیر کان چشمک می‌زنند که پس تکلیف شعر چه می‌شود، همین‌طور تکلیف نقاشی و تکلیف موسیقی؟ آیا آنها را هم می‌خواهید ملترم کنید؟ خوب این همان رئالیسم سوسیالیستی است. مردم تند و بد می‌خوانند و پیش از آن که بفهمند، داوری می‌کنند... حال که منتقدان آراء مرا، به حکم ادبیات، محکوم می‌کنند، بی آن که بگویند مقصودشان از ادبیات چیست، بهترین جوابی که می‌توانم به آنها بدهم این است که هنر نوشتن را، بدون پیشداوری، بررسی کنم. نوشتن چیست؟ نوشتن برای چیست؟ نوشتن برای چیست؟ نوشتن برای چیست؟<sup>(۳)</sup> این سه عنوان فصل‌های کتاب سارتر را تشکیل می‌دهند. سارتر بر آن است که نظریه ادبی الزاماً نباید بر هنرهای دیگر، مثل موسیقی و نقاشی، منطبق باشد؛ زیرا هنر با جوهری یگانه، در زبان‌های هنری گوناگون، نمودار نمی‌شود. نت‌ها و نقش‌ها نشانه نیستند؛ زیرا بر چیزی خارج از وجود خود دلالت نمی‌کنند<sup>(۴)</sup> اما بیان مفاهیم و مقاصد، به کمک واژه‌ها، در واقع، پذیرش کارکرد برقراری ارتباط برای زبان است. از دیدگاه سارتر، حتی شعر نیز با نثر متفاوت است و برای آن نمی‌توان تعهد قایل شد. از دید سارتر واژه، برای شاعر، آیین‌ای است که تصویر او را به خودش باز می‌تاباند. واژه در شعر یک شیئی است. اما واژه برای نثرنویس ابزاری است تا از خویش به درآید و خود را درون دنیا پرتاب کند. از این رو، برای نویسنده، سخن گفتن حکم عمل کردن را دارد. هر چیز که از آن نام می‌بریم دیگر عیناً همان چیز نیست. و

تحولات اجتماعی می‌اندازد. هنرمند، در دوره کلاسیک (قرن هفدهم) تعیین معنا و ارزش ادبیات را بر عهده سنت گذاشته و خود نیز به جایگاهی که سنت در سلسله مراتب اجتماعی به او داده بسته می‌کند. با شکست ایدئولوژی طبقات حاکم، نویسنده از این مدار اقتدارگریز می‌زند. «تنهایی هنرمند»، که رمانتیک‌ها اعلام می‌کنند، پیامد چنین فراشدی است و پس از آن ادبیات، به خودآگاهی می‌رسد و شروع به کنکاش در فنون ظریف خود می‌کند. فلور آغاز این جریان است. سارتر گونه‌ای محافظه‌کاری در این جریان می‌بینید؛ زیرا، در همان زمان، مردم اروپا با مسایلی مهیب دست به گریبانند. پس از ۱۹۱۸، جریان سوررئالیسم به میدان می‌آید. سارتر می‌نویسد:

«مدت هفتاد سال نوشتند تا دنیا را مصرف کنند. اما، پس از ۱۹۱۸، می‌نویسند تا ادبیات را مصرف کنند. سنت‌های ادبی را از میان ببرند و کلمات را به هدر بدهند. آنها را به یکدیگر می‌کوبند تا منفجر شوند. ادبیات از نفی مطلق به صورت ضد ادبیات درمی‌آید.<sup>(۷)</sup> سارتر سرانجام انزوا و تکراری نویسنده و انکار هرگونه تأثیرگذاری را انهدام ادبیات به دست ادبیات و گونه‌ای تروریسم می‌داند. سارتر، هنگام نوشتن کتابش، فرانسه را به گونه‌ای می‌بیند که گویی این مرحله را پشت سر گذاشته و می‌تواند ادبیاتی عینی و آزاد پدید آورد و، در پایان کتاب، دیدگاه آرمانی خود را مطرح می‌کند.

### درجه صفر نوشتار

نخستین بخش‌های درجه صفر نوشتار، در ۱۹۴۷، در مجله گُمبه، به چاپ رسید یعنی کمی پس از انتشار کتاب سارتر. رولان بارت، در ۱۹۵۳، این مجموعه را به صورت کتاب چاپ کرد. در بررسی کتاب سارتر دیدیم که فصل نخست آن «نوشتن چیست» نام دارد. عنوان فصل نخست کتاب بارت «نوشتار چیست» نام دارد و

«سخن همانا آشکارگی تغییر است». چنین است که، از دیدگاه سارتر، بی‌طرفی اجتماعی رؤیایی دست نیافتنی برای نویسنده است. سارتر، با نگرش اگزیستانسیالیستی خاص خود (که آمیزه‌ای از مارکس و هوسرل است)، کار انسان را آشکار کردن می‌داند. امور جهان به وسیله انسان آشکار می‌شود. در این میان، دو چیز مسلم است: یکی آن که ما انسان‌ها آشکارکننده‌ایم و دوم آن که نسبت به شیئی آشکار شونده اهمیت درجه دوم داریم. در این میان، سارتر انگیزه اصلی آفرینش هنری را مهم احساس کردن خود در برابر جهان می‌داند و مثال نقاشی را می‌آورد که شاگردش پرسید، چه هنگام می‌تواند پرده نقاشی خود را تمام شده بداند؟ استاد جواب داد: «هر وقت که بتوانی با حیرت به آن نگاه کنی و به خودت بگویی من هستم که این را ساخته‌ام.» سارتر هدف نهایی هنر را تملک دوباره جهان و ارایه آن به دیگران می‌داند، با این تفاوت که این جهان از آزادی بشر سرچشمه می‌گیرد.<sup>(۵)</sup> همین نسبت میان نوشتن و خواندن نیز برقرار است. سارتر، با رویکردی پدیدارشناختی، وجود مخاطب را شرط اصلی می‌داند: «هنر وجود ندارد، مگر برای دیگری و از طریق دیگری.» بسیاری دیگر از متفکران معاصر نیز عمل خواندن را متضمن عمل نوشتن می‌دانند. بارت، در لذت متن، همین دیدگاه را پیش می‌کشد و می‌گوید: «گویا، از دید باشلار، نویسندگان هرگز ننوشته‌اند. آنها پس از شکافی عمیق تنها خواننده شده‌اند.<sup>(۶)</sup>»

سارتر، در ادبیات چیست، با دیدگاه کانت، که غایتی برای اثر هنری قایل نیست، چالش می‌کند و سخن کانت را به این معنا می‌داند که اثر هنری نخست در عمل وجود دارد و سپس در برابر دید همگان قرار می‌گیرد. ولی سارتر بر این باور است که اثر هنری، تنها وقتی نگریسته می‌شود، وجود دارد. سارتر، در بخش سوم کتاب «نوشتن برای چیست»، نگاهی به تاریخ ادبیات فرانسه و ساز و کارهای درونی آن، در ارتباط با

فرازه (Topic) اصلی کار بارت را همان پرسش «ادبیات چیست» تشکیل می‌دهد. بارت از کتاب سارتر سخنی نمی‌گوید ولی بررسی دو کتاب، پیوند تنگاتنگی را میان آنها نشان می‌دهد؛ البته پیوندی جدلی و درخور شخصیت سنگین دو متفکر. برای بسیاری از شارحان آثار بارت، تردیدی نیست که او، هنگام نوشتن درجه صفر نوشتار، با دیدگاه‌های سارتر چالش داشته است ولی نمی‌توان این دو کتاب را در تمام خطوط خود ناقض یکدیگر دانست؛ زیرا در بسیاری از مسایل با یکدیگر هم داستانند. هر دو آنها کارکرد زبان را ارتباط می‌دانند. دیدگاه هر دو در مورد شعر، مناسبت اثر و خواندن یکسان است و هر دو در تحلیل روند تاریخ ادبیات فرانسه، از قرن هفدهم به بعد، روش‌شناسی خود را بر پایه جامعه‌شناسی طبقات استوار می‌کنند. به ویژه نفاقدان این اثر بارت را، در کنار اسطوره‌شناسی‌ها<sup>(۸)</sup> و نقد و حقیقت<sup>(۹)</sup>، بیش از دیگر آثار بارت، متأثر از این روش‌شناسی می‌دانند.<sup>(۱۰)</sup>

بزنگاه چالش بارت با دیدگاه سارتر را باید نظریه التزام ادبیات دانست. افزون بر آن، تعریف بارت از سبک با سارتر تفاوت دارد. سارتر ادبیات را محصول دو عامل زبان و سبک می‌داند. زبان چونان ابداعی جمعی که با مجموعه نشانه‌های قراردادی خود در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد و سبک همچون چگونگی انتقال چیزی که نویسنده می‌خواهد پیرامونش بنویسد. بارت مسأله را پیچیده‌تر می‌بیند و بعد سومی را، که همانا اسلوب نوشتار *Mode of writing* یا *écriture* است، کشف می‌کند. زبان، سبک و اسلوب نوشتار سه بعد فرم ادبی را تشکیل می‌دهند. سارتر سبک را عاملی در خدمت درونمایه اثر می‌داند اما بارت سبک را فرایند بسته فردی و بی‌تفاوت به اجتماع می‌شمارد که نه حاصل گزینش و نه کنکاش در ادبیات است؛ بلکه بخشی یکسره خصوصی است که از ژرفای وجود نویسنده برمی‌خیزد و از قلمرو پایش او دور می‌شود.

بارت سبک را «مادون زبانی که مرز میان جسم و جهان به شمار می‌رود»<sup>(۱۱)</sup> می‌داند و نیز «یادمانی نهان در جسم نویسنده»<sup>(۱۲)</sup>. بارت سبک را فردی‌ترین بخش فرایند ادبیات می‌داند، حال آن‌که زبان قراردادی جمعی است و اسلوب نوشتار نیز تأثیر عوامل تاریخی، طبقاتی بر شیوه نگارش. بارت آن نوع زبان ادبی را، که به دلیل هدف اجتماعی خود دگرگون و در واقع با این هدف سازگار شده است، اسلوب نوشتار می‌نامد و یکی از فصل‌های درخشان کتاب او به بررسی اسلوب‌های نوشتار در جوامع توتالیتار از جمله اسلوب نوشتار استالینی، اختصاص دارد. به این ترتیب هر چه وزن سبک در اثر ادبی بیشتر باشد بر ادبیت اثر افزوده می‌گردد و هر چه وزن اسلوب نوشتار بیشتر باشد، زبان کلیشه‌ای‌تر و متن از ادبیت دورتر می‌شود. تلاش اسلوب نوشتار در القاء ادبی بودن خود است. مانند بسیاری از متون شعاری که دارای هدف‌های اجتماعی و سیاسی خاص است؛ اما این آرایه‌ای سطحی است که متن را هر چه بیشتر از ادبیات دور می‌کند. و بارت به این پدیده در تاریخ ادبیات فرانسه می‌پردازد و این زمینه نظری بسیار خوبی ست که برای نمونه می‌توان به کمک آن تحلیلی از سیر ادبیات معاصر ایران نیز به عمل آورد.

اصطلاح مشهور بارت درجه صفر نوشتار - در این کتاب جای بحث بسیار دارد. بارت آن را از زبان‌شناسی وام می‌گیرد و می‌نویسد:

«می‌دانیم که برخی از زبان‌شناسان میان دو مؤلفه یک رابطه دو قطبی (مفرد - جمع، گذشته - حال) وجود مؤلفه سومی را فرض می‌کنند: مؤلفه‌ای خشتی و صفر به این ترتیب، میان وجه‌های شرطی و امری، وجه اخباری همچون فرمی بدون شکل قرار دارد. نوشتار درجه صفر در اساس نوشتاری اخباری یا به بیان دیگر بدون شکل است.»<sup>(۱۳)</sup>

بارت زبان ادبی غیر متعهد را اسلوب نوشتار سفید

و خشتی می‌نامد، نوشتاری که از «هرگونه بندگی برای  
نظمی که مهر زبان خورده باشد» آزاد باشد. در این  
حالت، ویژگی‌های اجتماعی یا اسطوره‌ای زبان کنار  
گذاشته می‌شوند.

سوزان سانتاگ خاطر نشان می‌کند که اصطلاح  
نوشتار سفید ابداع بارت نیست و ابتدا از سوی سارتر  
در نقد بیگانه اثر کامو به کار رفته است و نیز عنوان  
درجه صفر نوشتار نباید خوانندگان را گمراه کند و  
دیدگاه بارت را به اشتباه قابل به چارچوبی غیر ارتباطی  
برای ادبیات بینگارند.

خود بارت نیز درجه صفر نوشتار را حالتی فراز و  
دست نیافتنی می‌شمارد. بارت بر آن است، که پس از  
شکست جریان ادبیات مصنوع (که با فلور آغاز شد)،  
گرایش پدید آمد که می‌خواست با انفجار پوسته  
کلیشه‌ها و عادت‌های رسمی نویسندگی به متلاشی  
کردن نظم برسد. آنها فرم را پریشان کردند، از تاریخ  
بریدند و به جست و جوی طراوت نوینی در زبان  
برآمدند. گریز مداوم از نظام زبان به سکوت نوشتار  
انجامید. ادبیات به ویران کردن خود همت گماشت،  
چنان که مالارمه را قاتل زبان می‌دانند. از دیدگاه بارت،  
یگانه تعهد ادبیات تعهد به زبان است و، در اینجا،  
دیدگاهش با سارتر اختلاف پیدا می‌کند:

«تعهد می‌تواند پدید آورنده یک خودآگاهی باشد ولی  
کنشی را پایه‌ریزی نمی‌کند. از آن جا که اندیشه‌ای بدون  
زبان وجود ندارد فرم اولین و آخرین لحظه رسالت  
ادبی است»<sup>(۱۴)</sup>

سارتر تعهد ادبیات را گونه‌ای جبر می‌داند که بر سر  
راه ادبیات قرار گرفته است. ولی بارت تعهد را چونان  
هدفی برای ادبیات نمی‌پذیرد؛ اما نکته باریک در این  
میان، اعتراف بارت به گریزناپذیری ساختار ادبی در  
برابر نفوذ اسطوره‌ها و اسلوب نوشتار است. شاید بتوان  
گفت سارتر این جبر را به یک هدف تبدیل کرد ولی  
بارت این جبر را تنها به دیده ساز و کاری درونی دید که

دایم ادبیات را به سوی تلاشی می‌کشاند.

آن چشم‌انداز ساده و روشنی که سارتر می‌دید و  
کنش را پیامد جبری هرگونه خودآگاهی و عمل را پیامد  
هر سخن می‌پنداشت، در دیدگاه بارت وجود ندارد.  
بارت بر آن است که مدرنیته با جستار ادبیاتی ناممکن  
آغاز شد و هم‌چنان ادبیات، آرمان‌شهر دست نیافتنی  
زبان باقی مانده است.

### پی‌نوشت‌ها:

1- *Litterature et meta - langage Essais Critiques*, Roland  
Barthes, Seuil, P 106, 107

2- *Roland Barthes; writing degree zero*. prefaced by Susan  
Sontag. Hill and wang, New York, 1997.

۳. ادبیات چیست، ژان پل سارتر، ابوالحسن - مصطفی رحیمی،  
زمان، ۱۳۵۶، ص ۳

۴. به تعریف نشانه باید توجه کرد از جمله تعریف امبرواکو از  
نشانه: «من نشانه را هر چیزی می‌دانم که، بر اساس قرارداد  
اجتماعی از پیش استوار شده‌ای، بتواند چیزی فلمداد شود که به  
جای چیز دیگری آرایه شود.»

5- *The Philosophy of Jean Paul sartre*, Robert Denoon  
Cumming, vintage Books, 1972.

6- *Roland Barthes, le plaisir du texte*, seuil, 1973

۷. ادبیات چیست، ژان پل سارتر

۸. اسطوره امروز؛ رولان بارت، شیرین دخت دقیبان، نشر مرکز،  
۱۳۷۵

۹. نقد و حقیقت، رولان بارت، شیرین دخت دقیبان، نشر مرکز،  
۱۳۷۷

10- *La critique litteraire auxxe siècle*. Jean - yves Tadié.  
Belfond, 1987, p.213

11- *Le degré zero de l'écriture, seuil, 1972. P 12*  
(این کتاب به فارسی ترجمه شده و در دست انتشار است)

12- *Ibid*, P13

13- *Ibid*, P 55, 56

14- *Ibid*, p 61